

## Predicting marital and communication disorders based on parenting methods and emotional instrumentation of couples in Kermanshah

Bahar Khaksari

Master of Counseling and Guidance, Islamic Azad University, Arak Branch, Arak, Iran

## پیش‌بینی آشفتگی‌های زناشویی و ارتباطی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری و ابزارگری هیجانی زوجین شهر کرمانشاه

\* بهار خاکساری

کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران

### Abstract

**Aim:** Today, one of the outcomes of the evolution of the family institution is the turmoil seen in the relationship between couples. The results of these disturbances can be seen in the weakening of marital relations and the consequent increase in the rate of divorce. The aim of this study was to predict marital disturbances based on parenting styles and emotional expression with marital disturbances of couples in Kermanshah. **Method:** The method of descriptive research is correlational. The statistical population of the present study included women with marital disorders who referred to counseling centers in Kermanshah in 2021-2022, whose number was over 500 people. In the present study, 120 people were purposefully randomly selected according to Morgan table from Kermanshah city counseling centers as the sample and with the consent of those couples who were willing to cooperate in the study responded virtually to Bamrind parenting methods questionnaire (1973), King & Ammons (1990) Emotional Expression, and the Wiseman et al. (2009) Marital and Communication Disorder Scale. **Results:** Using the regression and Pearson correlation coefficient, the results obtained showed that the components of careless, authoritarian and logical authority methods, expressing positive emotion, expressing intimacy and expressing negative emotion would predict marital turmoil. Also, the components of careless, authoritarian and logical authority methods, expressing positive emotion, expressing intimacy and expressing negative emotion have a significant negative relationship with marital turmoil. **Conclusion:** Based on the research findings, it can be said that negligence, authoritarianism and logical authority, expressing positive emotions, expressing intimacy and expressing negative emotions are effective components related to marital turmoil which can be considered in family counseling centers.

**Keywords:** Parenting methods, Emotional expression, Marital and communication disorders of couples

### چکیده

**هدف:** امروزه یکی از دستاوردهای تحولات نهاد خانواده، آشفتگی‌هایی است که در روابط بین زوجین دیده می‌شود. نتایج این آشفتگی‌ها را می‌توان در سست شدن روابط زناشویی و به دنبال آن افزایش میزان طلاق مشاهده کرد. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی آشفتگی‌های زناشویی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری و ابزارگری هیجانی با آشفتگی‌های زناشویی زوجین شهر کرمانشاه انجام شد. **روش:** روش پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل زنان دارای آشفتگی‌های زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ که تعداد آن‌ها بیش از ۵۰۰ نفر بود. نمونه مورد نظر در پژوهش حاضر مطابق با جدول مورگان ۱۲۰ نفر به روش تصادفی هدفمند از مراکز مشاوره شهر کرمانشاه انتخاب شدند و با کسب رضایت از آن دسته از زوجینی که حاضر به همکاری در پژوهش بودند، به پرسش‌نامه‌های شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳)، ابزارگری هیجانی کینگ و آمونز (۱۹۹۰) و مقیاس آشفتگی زناشویی و ارتباطی ویسمن و همکاران (۲۰۰۹) به صورت مجازی پاسخ دادند. **یافته‌ها:** یافته‌های نتایج به دست آمده، با استفاده از رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون نشان داده شد که مؤلفه‌های شیوه‌های سهل‌گیرانه، استبدادی و اقتدار منطقی، ابزار هیجان مثبت، ابزار صمیمیت و ابزار هیجان منفی توانایی پیش‌بینی آشفتگی‌های زناشویی را دارند. همچنین مؤلفه‌های شیوه‌های سهل‌گیرانه، استبدادی و اقتدار منطقی، ابزار هیجان مثبت، ابزار صمیمیت و ابزار هیجان منفی با آشفتگی زناشویی رابطه منفی معناداری دارند. **نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت که سهل‌گیرانه، استبدادی و اقتدار منطقی، ابزار هیجان مثبت، ابزار صمیمیت و ابزار هیجان منفی از مؤلفه‌های موثر و مرتبط با آشفتگی‌های زناشویی هستند که این نکته می‌تواند در مراکز مشاوره خانواده مورد توجه قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** شیوه‌های فرزندپروری، ابزارگری هیجانی، آشفتگی‌های زناشویی و ارتباطی زوجین.

## مقدمه

خانواده یکی از رکن‌های اصلی جامعه و کوچک‌ترین جزء اجتماع و به عنوان یکی از محیط‌های مؤثر در سلامت جنسی و روانی فرد در نظر گرفته می‌شود (Soltani zadeh & Bajlani, 2020). آرامش، امنیت و آسایشی را که اعضاء در محیط خانه از آن برخوردار می‌گردند و به تبع آن از اضطراب‌ها و نگرانی‌ها در امان می‌مانند، در هیچ محیط یا رابطه انسانی دیگر نمی‌توان یافت (Askar Abad & Haji Heidari, 2014). همچنین اولین نهاد جامعه‌پذیر و کهن‌ترین هسته طبیعی، در همه جوامع انسانی از ابتدای تاریخ وجود داشته و بشر تاکنون نتوانسته است جایگزینی برای آن بیابد. این موضوع حضور همیشگی این نهاد اجتماعی و ضرورت وجودی آن را نشان می‌دهد. خانواده بستر رشد و رفاه جسمی و روانی اجتماعی کودک و عامل تحقق تعادل فیزیکی، روانی و اجتماعی انسان‌ها است (Yoosefi Najaf Abadi, 2015). خانواده جوهره‌ای در حال تغییر است که با استفاده از اعضای خویش و در جریان ارتباطی دائمی، تعاملی و طرح‌دار با یکدیگر یک کل را سازمان‌دهی می‌کند و در طول زمان و مکان گسترش می‌یابد (Mosavi, 2017). اولین گام برای ارضای این نیاز اساسی و طبیعی ازدواج است. به رغم خوشایند بودن پیوند ازدواج، رضایت زوجین به آسانی به دست نمی‌آید و در نتیجه قوی‌ترین پیوند انسانی یعنی ازدواج، در مستحکم‌ترین قرارگاه آن، یعنی سامانه خانواده، در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت (Oprisan, Cristea, 2012). بنابراین مسئله ازدواج و زناشویی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوعات مورد توجه جامعه بشری است و اولین تعهد عاطفی و حقوقی است که افراد در بزرگسالی قبول می‌کنند. روابط مطلوب توأم با رضایت در درون خانواده به سازگاری مؤثر افراد در موقعیت‌گونگون‌یاری می‌رساند و از طرف دیگر آشفتگی‌های زناشویی، زمینه آسیب روانی را فراهم می‌کند (Goodarzi & et al., 2017). آشفتگی زناشویی نوعی احساس نارضایتی از زوجین نسبت به روابط زوجین است به طوری که نارضایتی به سرعت از یک زوج به زوج دیگر سرایت می‌کند (Seyedi & Parandin, 2021). زوجین آشفته توافق کمتری در میزان اختلافشان دارند، رفتارهای منفی‌تر و پرخاشگرانه‌تر فیزیکی از خود بروز می‌دهند. آنها بیشتر به درگیر شدن در مسائل خود و رد و بدل کردن گله و شکایت از یکدیگر متمایل می‌باشند که به نوعی نشان‌دهنده ضعف شنیداری، ضعف مهارت اعتباربخشی به همسر است. مطالعات نشان داده است که زوجینی از هم جدا می‌شوند یا طلاق می‌گیرند ابتدا یک دوره آشفتگی را متحمل شده سپس به جدا شدن فکر می‌کنند (Rostami khoo, 2020). در رابطه با اهمیت آشفتگی در صدمه‌رساندن به پایداری ازدواج زوجین بردیت او همکاران (۲۰۱۷) بیان می‌دارند طلاق حاصل و پیامد شکل‌گیری یک دوره آشفتگی زناشویی بین

زوجین است (Janjani & et al., 2019). آشفتگی زوجین پدیده ای است که در اثر اشباع دلخوری ها و رنجش های زوجین از یکدیگر، عدم درک متقابل آنها و ایجاد فاصله روانی - عاطفی بین آنان شکل می گیرد. بسیاری از افراد پس از گذراندن چند سال زندگی مشترک با همسرشان آن را تجربه نمایند (Ahmadi & et al., 2019). اگر بگوییم تعریف اجتماعی چگونگی انتخاب همسر و چگونگی شکل گیری و پیوستگی زن و مرد در قالب خانواده و البته چگونگی تعارض یا هماهنگی تعاریف زوجین مشخص از " رابطه جنسیتی "، نقاط توازن یا بحران زندگی روانی در یک جامعه است بیهوده نگفته ایم. یکی از نقاط بحران در رابطه زناشویی، تجربه آشفتگی زناشویی است (Janjani & et al., 2019).

عوامل مختلفی بر استحکام و دوام خانواده و بر آشفتگی های زناشویی تأثیر می گذارند ارتباط با شیوه های فرزندپروری هر فرد دارد. تجارب خانوادگی تأثیر عمده ای بر تکامل فرد در طول زندگی و بعد از آن دارد و ارتباطات خانوادگی سایر جنبه های زندگی را نیز تحت تأثیر خود قرار می دهد (Byren, Carr, Clark, 2014). در واقع تجارب خانوادگی در کودکی و نوجوانی به درستی گویای مفهوم شیوه های فرزندپروری است. عبارت شیوه های فرزندپروری به رفتارهای معینی از والدین اشاره دارد که به طور منفرد و در ارتباط با یکدیگر بر پیامدهای تحولی کودک، اثر می گذارند و دربرگیرنده میزان پاسخگو بودن و مطالبه گر بودن والدین است. شواهد مختلف نشان می دهد که روابط افراد با والدین در دوران کودکی، کیفیت روابط صمیمی آن ها را در بزرگسالی پیش بینی می کند. برای مثال، تجربه یا مشاهده خشونت و سوءاستفاده در خانه با پذیرش و استفاده بیشتر از پرخاشگری در روابط صمیمی بعدی رابطه دارد (Darling, Cohan, 2009). نتایج پژوهش کیم، تالبوت و چیچتی (۲۰۰۹) نشان داد که تجربه سوء استفاده در دوران کودکی با تعارضات بین شخصی در بزرگسالی رابطه دارد.

سبک فرزندپروری و تربیت کودکان یکی از مهم ترین وظایفی است که والدین برعهده دارند (Shokouhi Yekta, Parand & Naghi Faghihi, 2007). تحقیقات نشان داده است که تعامل بین فرزندان و والدین و چگونگی برقراری ارتباط والدین با فرزندان و والدین و چگونگی برقرار ارتباط والدین با فرزندان، مهم ترین و اساسی ترین عوامل در بین عوامل مختلفی است که بر پرورش و شخصیت سالم کودکان تأثیر می - گذارد (Kimble, 2015). از جمله مهم ترین عوامل موثر بر روند رشد کودک نوع و شیوه تربیتی یا به اصطلاح سبک فرزند پروری والدین است. سبک های فرزندپروری را می توان به عنوان مجموعه یا سیستم رفتاری تعریف کرد که تعامل موثر را ایجاد می کند. سبک والدین دو عنصر مهم را به خود اختصاص می دهد: مسئولیت پذیری والدین و مطالبه والدین. فرزندپروری شامل یک سری از مهارت های بین فردی و

<sup>1</sup> - parenting style

<sup>2</sup> - Kima, Talbot, Cicchetti

توقعات هیجانی است که تحت تاثیر ویژگی‌های والدین و سبک دلبستگی که کسب کرده اند، قرار دارد (Momeni, 2014; Zakaei Fard & Moosa Zadeh, 2020).

نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عملکرد خانوادگی والدین با تعارضات زناشویی آینده فرزندان، رابطه دارد. نتایج پژوهش شولمن<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که رابطه مادر و دختر بر شایستگی روابط صمیمانه در دختران نوجوانشان، تاثیر معنادار دارد. همچنین پژوهش جانسون و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد که مردان متأهل از خانواده‌هایی با عملکرد خانوادگی ضعیف، به طور مستقیم و غیرمستقیم به واسطه داشتن تعاملات منفی در بین زوجین، روابط زناشویی با موفقیت کمتری داشتند، درحالی که زنان متأهل از خانواده‌هایی با عملکرد خانوادگی ضعیف، به دلیل مشکلات سلامت روانی و داشتن تعاملات منفی بین زوجین، روابط زناشویی موفق کمتری داشتند. یافته‌های پژوهش شارف و مایسلس<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) نشان داد که شاخص‌های مثبت رابطه با والدین با نشانه‌های مثبت روابط رمانتیک، مرتبط بود. تحلیل داده‌های پژوهش اوربیک<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۷) نشان داد که ناسازگاری‌های اولیه در پیوند والد-کودک بر کیفیت رابطه همسران و ناسازگاری هیجانی در میانه عمر از طریق یک توالی رشدی خاص تاثیر می‌گذارد. سیفج-کرنک<sup>۴</sup>، اوربیک و ورمولست<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) نشان دادند که روابط اولیه مادر و فرزند به صورت مشخص با تعلق و جذابیت جنسی تجربه شده در روابط رمانتیک بزرگسالان جوان رابطه دارد و روابط فاصله دار و سرد پدر و فرزند در طول نوجوانی با عشق اضطرابی بعدی فرزندان رابطه دارد. بطحایی و آزاد فلاح (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان رابطه تعارض زناشویی و سبک فرزندپروری والدین با سلامت عمومی کودک، به این نتیجه رسیدند که سلامت عمومی کودکان یک امر تک بعدی نیست و همواره تحت تاثیر عوامل خانوادگی و کیفیت روابط قرار می‌گیرد، این نتایج در قالب الگوی چارچوب شناختی مبتنی بر بافت و رویکرد سیستمی در آسیب‌شناسی تحولی تایید کننده نقش تعارض زناشویی و سبک فرزندپروری والدین در پیش‌بینی سلامت عمومی کودکان است. امینی و عارفی (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی زنان شهر کرمانشاه به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی با مؤلفه‌های تعارضات زناشویی رابطه معنادار دارند. امینی نژاد و شاه نظری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده و سبک‌های هویت، به این نتیجه رسیدند که رضایت زناشویی با سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه رابطه مثبت و معناداری

<sup>1</sup> - Shulman

<sup>2</sup> - Scharf, Mayseless

<sup>3</sup> - Overbeek

<sup>4</sup> - Seiffge Krenke

<sup>5</sup> - Vermulst

دارد اما با سبک فرزندپروری استبدادی و بی توجه، رابطه منفی و معنادار دارد. همچنین بشارت، هوشمند، رضازاده و لواسانی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان پیش بینی رضایت زناشویی فرزندان بر اساس سبک های فرزند پروری والدین، به این نتیجه دست یافتند که سبک های فرزند پروری مقتدرانه و سهل گیرانه پدر و مادر با رضایت زناشویی، با فرزندان رابطه مثبت معنادار و سبک فرزند پروری آمرانه پدر و مادر با رضایت زناشویی، با فرزندان رابطه منفی معنادار دارد. موسوی و جلالی (۱۳۹۳) در پژوهشی با هدف شناسایی رابطه بین شیوه های مختلف فرزندپروری، سبک های دلبستگی و جو خانوادگی دو نسل والدین و فرزندان با نمونه ای به حجم ۲۲۰ نفر به این نتیجه رسیدند که رابطه معناداری بین شیوه فرزند پروری، سبک های دلبستگی و جو خانوادگی دو نسل وجود دارد.

یکی از ابعاد مهمی که در تأمین سلامت هیجانی، نقش بسزایی دارد توانایی افراد در ابراز هیجان است. افراد توانمند از نظر هیجانی، در رویارویی با هر آنچه آزاردهنده است، احساسات خود را تشخیص می دهند، مفاهیم ضمنی آن را درک می کنند و به شکل مؤثرتری حالت های هیجانی خود را ابراز می کنند. این افراد در مقایسه با افرادی که مهارت و توانایی ابراز مناسب هیجان های خود را ندارند، در پذیرش تجربه های منفی از موفقیت بیشتری برخوردارند و سازگاری بیشتری از خود نشان می دهند (Valed & et al., 2012). ابرازگری به عنوان نمایش بیرونی هیجان، بدون توجه به دیگران در ارتباط با محیط و ارزش (مثبت یا منفی) یا شیوه تجلی آن (چهره ای، کلامی و حالت های بدنی یا رفتاری) تعریف می شود. کینگ و ایمونز (۱۹۹۹)، سه بعد اساسی را در ابرازگری هیجانی مطرح کرده اند. این سه بعد شامل ابراز هیجان مثبت، ابراز صمیمیت و ابراز هیجان منفی است (Mikaeili & et al., 2018). نتایج پژوهش رفیعی نیا و همکاران (۱۳۸۵) نشان داد که گرچه بین ابرازگری هیجانی و سلامت عمومی، رابطه معنی داری وجود ندارد، ولی بین ابراز هیجان منفی با سلامت عمومی، ارتباط معکوس و معنی دار وجود دارد. پژوهش های صورت گرفته حاکی از آن است که ابراز هیجان، نقش مهمی در حفظ و نگهداری روابط بین فردی دارد و به عنوان یک تعدیل کننده مهم، قابلیت دسترسی به حمایت اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد، برقراری روابط عاطفی با دیگران احساس ارزش و شایستگی را در انسان تقویت می کند و میزان آسیب پذیری فرد را نسبت به رویدادهای زندگی به طور ویژه ای پیش بینی می کند (Nejati, 2019). به نظر کینگ و امونز (۱۹۹۰) ابرازگری به خودی خود عاملی برای سلامتی نیست، بلکه احساس زیربنایی شخص، درباره ابرازگری خویشتن است که می تواند سود یا زیان آن را مشخص کند (Vahdani & et al., 2020). منظور از ابرازگری منفی، درجه ای است که گرایش به پاسخ های هیجانی منفی مثل نفرت، خشم، بیزاری و شرمساری در رفتار فرد بروز داده می شود. ابرازگری مثبت، بیانگر درجه ای است که گرایش به پاسخ های هیجانی مثبت مثل شادمانی، خشنودی، علاقه مندی و دوست داشتن در رفتار بروز داده شده، ابراز صمیمیت بیانگر داشتن رفتار صمیمانه با دیگران است (Slavinskienė, Žardeckaitė-Matulaitienė, 2019).

2014). ابراز‌گری هیجانی، در روابط میان فردی اهمیت زیادی دارد (Rimé, 2017). افرادی که هیجانات خود را آشکار می‌کنند، خیلی کمتر دچار اختلالات روان‌شناختی می‌گردند (Hsieh & et al., 2014). کشاورز و همکاران (1394)، در پژوهشی تحت عنوان نقش ابراز‌گری هیجانی و عوامل جمعیت‌شناختی در پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان به این نتیجه رسیدند که غیرهای ابراز‌گری هیجانی مثبت، ابراز‌گری هیجانی منفی، تحصیلات، سن و مدت ازدواج حدود 19 درصد از رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. با عنایت به آنچه گفته شد سبک‌های فرزندپروری صحیح و ابراز‌گری هیجانی مثبت به عنوان یک نیاز شدید در جوامع امروزی برای تربیت کودکان نقش به‌سزایی دارد، به خصوص در عصر امروز که به عصر جهانی شدن معروف است. چراکه خانواده‌ها بدون داشتن ذهنی آرام نمی‌توانند عقاید خود را بیان کنند، از شکست مایوس می‌شوند، در برابر مشکلات از خود صبر و استقامت نشان نمی‌دهند و آشفته‌گی‌های زناشویی در آنان افزایش می‌یابد. بنابراین، پژوهشگر احساس ضرورتی از انجام این پژوهش را به عنوان دغدغه پژوهشی می‌داند و معتقد است که شیوه‌های فرزندپروری و ابراز‌گری هیجانی، توان پیش‌بینی آشفته‌گی‌های زناشویی را در زوجین دارند بنابراین پژوهش حاضر قصد دارد به این سوال پاسخ دهد که آیا شیوه‌های فرزندپروری و ابراز‌گری هیجانی توان پیش‌بینی آشفته‌گی‌های زناشویی را در زوجین دارند یا خیر؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است، که با هدف پیش‌بینی آشفته‌گی‌های زناشویی و ارتباطی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری و ابراز‌گری هیجانی زوجین شهر کرمانشاه، انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زوجین دارای آشفته‌گی‌های زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه در سال 1401-1400 تشکیل می‌دهد که تعداد آن‌ها بیش از 500 نفر بود. نمونه مورد نظر در پژوهش حاضر مطابق با جدول مورگان 120 نفر به عنوان نمونه و به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و با کسب رضایت از آن دسته از زوجینی که حاضر به همکاری در پژوهش بودند پرسشنامه‌های آنلاین شرح داده، اجرا شد. قبل از توزیع پرسشنامه‌ها از آزمودنی‌ها خواسته شد اگر در فرآیند پاسخگویی به سوالات با مشکلی مواجه شدند یا نقطه ابهامی برای آن‌ها به وجود آمد، از پژوهشگر درخواست توضیح بیشتری داشته باشند. زوجین مورد نظر پس از اعلام رضایت جهت شرکت در پژوهش و دریافت تضمین لازم مبنی بر اینکه اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی خواهد ماند، اقدام به تکمیل پرسشنامه‌ها نمودند. در نهایت پس از تکمیل پرسشنامه توسط شرکت‌کنندگان که به شکل انفرادی بود پرسشنامه‌های پژوهش جمع‌آوری گردید. پس از جمع‌آوری پرسشنامه، اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS-23 تحلیل شد و علاوه بر

استفاده از روش های آمار توصیفی و شاخص های آماری همچون میانگین و انحراف استاندارد، از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره نیز استفاده شد.

### ابزار پژوهش

مقیاس گری آشفته‌گی زناشویی و ارتباطی (SSMRD): ویسمن و همکاران (۲۰۰۹)، این مقیاس را با استفاده از برخی گویه های پرسش نامه تجدیدنظر شده رضایت زناشویی (MSI-R)، به جهت غربالگری زوجین آشفته از غیرآشفته طراحی کردند. این مقیاس از ۱۰ ماده تشکیل شده است که ابعاد مختلف آشفته‌گی زناشویی در ۵ حوزه ارزیابی می شود که عبارتند از: ۱- سطح کلی آشفته‌گی زناشویی ۲- عدم رضایت جنسی ۳- وقت گذراندن با هم ۴- ارتباط عاطفی ۵- ارتباط معطوف به حل مسأله. ویسمن و همکاران (۲۰۰۹) به منظور تعیین و استخراج نقطه برش جهت تشخیص زوجین آشفته و غیر آشفته این مقیاس را روی ۱۰۲۰ زوج اجرا و با استفاده از تحلیل منحنی مشخصه عامل گیرنده، بهینه ترین نقطه برش برای هر دو گروه زنان و مردان، نمره ۴ را به دست آوردند. بدین معنی که کسب نمره ۴ و بالاتر از ۴ به معنی وجود آشفته‌گی زناشویی و ارتباطی در روابط زوجی است. در این پژوهش میانگین و انحراف استاندارد گروه زنان به ترتیب ۳/۲۰ و ۲/۸۱ و در گروه مردان به ترتیب ۳/۰۸ و ۲/۶۸ بوده است. مقادیر حساسیت، ویژگی، ارزش اخباری مثبت (PPV)، ارزش اخباری منفی (NPV) و نرخ صحیح تشخیص (HR) در پژوهش بهرادفر و همکاران (۱۳۹۵) برای گروه مردان به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۵، ۰/۷۳، ۰/۹۳ و ۰/۸۶ و برای گروه زنان به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۸۴، ۰/۷۲، ۰/۹۴ و ۰/۸۶ گزارش شده است. طراحان این آزمون به منظور بررسی ثبات زمانی تشخیص از روش پایایی بازآزمایی با نمونه ۱۰۶ نفری از زوجین که با فاصله زمانی ۶ هفته مقیاس ۱۰ سؤالی SSMRD دو بار پاسخ دادند، استفاده کرده اند که ضریب پایایی برای گروه مردان ۰/۷۸ و برای گروه زنان ۰/۸۰ گزارش شده است. همچنین شاخص کاپا، در گروه مردان ۰/۷۰ و در گروه زنان ۰/۶۸ گزارش شده است که هر دو شاخص پایایی بازآزمایی و کاپا بیانگر مطلوبیت ثبات تشخیص طبقه آشفته‌گی زناشویی و ارتباطی است. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس، برای گروه زنان و مردان به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۱ اعلام شده است. طراحان آزمون به جهت بررسی هم زمان روایی مقیاس مذکور پرسش نامه تجدیدنظر شده رضایت زناشویی (MSI-R) را استفاده کرده که مقدار این روایی برای گروه زنان و مردان به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۷۲ اعلام گردید. در نسخه اصلی این مقیاس آزمودنی به گویه ها به صورت دو گزینه ای (درست/غلط) پاسخ می دهد که دامنه نمرات بین صفر (کمترین مقدار آشفته‌گی زناشویی) تا ۱۰ (بیشترین مقدار آشفته‌گی زناشویی) متغیر خواهد بود و ۷، ۶، ۵، ۲، ۱، سؤالات به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. در پژوهش بهرادفر و همکاران (۱۳۹۵)، از مقیاس تجدیدنظر شده مقیاس مزبور استفاده شد که پس از اعمال تجدیدنظر بعد از اجرای این مقیاس در گروه نمونه پایلوت در جهت ایجاد روایی محتوایی و نیز افزایش قدرت تشخیصی آزمون (ریچنبرگ، ۲۰۱۴)، نحوه پاسخگویی به طیف

۵ گزینه ای تغییر یافت بدین ترتیب که آزمودنی، درجه موافقت خود را در پیوستاری بین ۱ (کاملاً درست) تا ۵ (کاملاً نادرست) گزارش می‌دهد و دامنه نمره کل در مقیاس بین ۱۰ (کمترین مقدار آشفته‌گی زناشویی) تا ۵۰ (بیشترین مقدار آشفته‌گی زناشویی) متغیر است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ  $0/83$  محاسبه شد. مقیاس شیوه‌های فرزند پروری (بامریند): پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه‌های فرزند پروری (بامریند) که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱) ترجمه شده بورای<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش افتراقی استفاده کرد و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل‌گیری و اقتدار منطقی، دارد و شیوه سهل‌گیری رابطه معنی‌داری با شیوه اقتدار منطقی او نداشت (Mehrafrouz, 1999). بورای (۱۹۹۱) برای محاسبه پایایی از روش باز آزمایی استفاده کرد و نتایج زیر را به دست آورد.  $0/81$  برای شیوه سهل‌گیرانه،  $0/86$  برای شیوه استبدادی  $0/78$  برای شیوه اقتداری. او همچنین ثبات درونی را با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ محاسبه کرد که  $0/75$  برای شیوه سهل‌گیری  $0/85$  برای شیوه استبدادی و  $0/82$  برای شیوه اقتدار منطقی به دست آورد (Mehrafrouz, 1999). نتایج به دست آمده نشان داد که پرسشنامه مذکور دارای روایی اعتبار صوری است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ  $0/80$  به دست آمد.

پرسشنامه ابرازگری هیجانی: پرسشنامه ابرازگری هیجانی کینگ و آمونز، ۱۶ ماده و ۳ خرده مقیاس دارد. موارد ۱ تا ۷ مربوط به زیر مقیاس ابراز هیجان مثبت، موارد ۸ تا ۱۲ آن مربوط به زیر مقیاس ابراز صمیمیت و موارد ۱۳ تا ۱۶ آن مربوط به زیر مقیاس ابراز هیجان منفی است. کینگ و آمونز (۱۹۹۰) ضریب آلفای کرونباخ را برای مقیاس و زیر مقیاس‌های مذکور به ترتیب  $0/70$ ،  $0/74$ ،  $0/63$  و  $0/67$  گزارش کردند. در پژوهش رفیعی‌نیا و همکاران (۱۳۸۵)، پایایی مقدار آن برای کل مقیاس و زیر مقیاس‌های ابراز هیجان مثبت، ابراز صمیمیت و ابراز هیجان منفی به ترتیب  $0/68$ ،  $0/65$ ،  $0/59$  و  $0/68$  گزارش شد. در پژوهش شریفی‌نیا و هارون رشیدی (۱۳۹۹)، پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای ابراز هیجان مثبت  $0/70$ ، ابراز صمیمیت  $0/47$  و ابراز هیجان منفی  $0/67$  گزارش شد. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ  $0/78$  به دست آمد.

## یافته‌ها

همان‌طور که در جدول (۱) آمده است از ۱۲۰ نفر از آزمودنی شرکت‌کننده در پژوهش، دامنه سنی آزمودنی‌ها از ۲۰ تا ۵۰ سال و میانگین سنی نمونه مورد بررسی،  $33/21$  سال بود.

<sup>1</sup> - Bouray



جدول (۱) میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی ها بر حسب سن

متغیر	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد
سن	۱۲۰	۲۰	۵۰	۳۳/۲۱	۳/۰۸

برای بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری و ابرازگری هیجانی با آشفتگی های زناشویی زوجین، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته های پژوهش بیانگر آن است که بین آشفتگی های زناشویی و خرده مقیاس شیوه فرزندپروری سهل گیرانه، استبدادی و اقتدار منطقی به ترتیب ضریب همبستگی ۰/۲۵ و ۰/۲۱ و ۰/۲۹- وجود دارد که در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار است و از میان خرده مقیاس های ابرازگری هیجانی، خرده مقیاس های ابراز هیجان مثبت، ابراز صمیمیت و ابراز هیجان منفی با آشفتگی های زناشویی به ترتیب دارای ضرایب همبستگی ۰/۲۷-، ۰/۲۹- و ۰/۱۹ است و این همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. نتایج تحلیل همبستگی و داده های توصیفی در جدول (۲) آمده است.

جدول شماره (۲) داده های توصیفی و همبستگی

متغیرها	خرده مقیاس ها	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	همبستگی	سطح معناداری
	سهل گیرانه	۱۲۰	۹	۲۹	۲۷/۳۲	۵/۶۵	۰/۲۵	۰/۰۰۱
شیوه های	استبدادی	۱۲۰	۱۱	۲۸	۲۶/۴۳	۴/۳۳	۰/۲۱	۰/۰۰۱
فرزندپروری	اقتدار منطقی	۱۲۰	۱۴	۳۸	۲۹/۱۲	۶/۳۴	-۰/۲۹	۰/۰۰۱
	ابراز هیجان مثبت	۱۲۰	۱۶	۳۲	۱۹/۳۳	۳/۸۷	-۰/۲۷	۰/۰۲
ابرازگری هیجانی	ابراز صمیمیت	۱۲۰	۹	۳۳	۱۷/۳۲	۳/۰۴	-۰/۲۹	۰/۰۱
	ابراز هیجان منفی	۱۲۰	۱۲	۳۸	۱۹/۱۱	۳/۶۷	۰/۱۹	۰/۰۰۳

برای پیش بینی آشفتگی های زناشویی بر اساس متغیرهای شیوه های فرزندپروری و ابرازگری هیجانی از تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج نشان داد که  $F$  مشاهده شده معنادار است ( $F=۶/۳۳$ ) و متغیرهای پیش بین باهم ۰/۲۷ واریانس آشفتگی های زناشویی را تبیین می کنند. همبستگی چندگانه بین متغیرها نیز ۰/۴۲ ( $R=۰/۴۲$ ) به دست آمد. نتایج تحلیل رگرسیون در جدول ۳ آمده است.

جدول (۳) نتایج رگرسیون برای پیش‌بینی آشفته‌گی‌های زناشویی توسط شیوه‌های فرزندپروری و ابرازگری هیجانی

منابع تغییر	SS	df	Ms	F	R	R <sup>2</sup>	Sig
رگرسیون	۶۲۳۳۷/۳۲	۱۸	۳۳۴۶/۶۷				
باقی مانده	۲۳۴۵۴۱/۰۸	۳۰۸	۶۷۴/۲۷	۶/۳۳	۰/۴۲	۰/۲۷	۰/۰۰۱
کل	۴۴۶۷۲۵/۵۴	۳۲۶					

ضرایب رگرسیونی متغیرهای پیش بین نشان می‌دهند که شیوه سهل‌گیرانه،  $\beta=0/17$ ,  $t=2/3$ ، شیوه استبدادی  $\beta=-0/19$ ,  $t=-3/7$ ، اقتدار منطقی،  $\beta=-0/21$ ,  $t=-2/8$ ، ابراز هیجان مثبت،  $\beta=-0/18$ ,  $t=-2/9$ ، ابراز صمیمیت،  $\beta=-0/17$ ,  $t=-2/1$  و ابراز هیجان منفی  $\beta=0/15$ ,  $t=1/8$  می‌توانند آشفته‌گی‌های زناشویی را پیش‌بینی کنند. نتایج در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول (۴) نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی آشفته‌گی‌های زناشویی توسط شیوه‌های فرزندپروری و ابرازگری هیجانی

متغیرهای پیش بین	B	خطای استاندارد برآورد	$\beta$	t	سطح معناداری
سهل‌گیرانه	۴/۱	۳/۱	۰/۱۷	۲/۳	۰/۰۰۱
شیوه استبدادی	۵/۳	۲/۸	-۰/۱۹	-۳/۷	۰/۰۰۱
اقتدار منطقی	-۵/۱	۲/۷	-۰/۲۱	-۲/۸	۰/۰۰۲
ابراز هیجان مثبت	-۴/۴	۳/۲۳	-۰/۱۸	-۲/۹	۰/۰۲
ابراز صمیمیت	-۳/۷	۲/۸۸	-۰/۱۷	-۲/۱	۰/۰۰۲
ابراز هیجان منفی	۲/۹	۱/۹۰	۰/۱۵	۱/۸	۰/۰۰۴

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی آشفته‌گی‌های زناشویی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری و ابرازگری هیجانی زوجین شهر کرمانشاه است. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد، شیوه‌های فرزندپروری و ابرازگری هیجانی می‌توانند آشفته‌گی‌های زناشویی را پیش‌بینی کنند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های بطحایی و آزاد فلاح (۱۴۰۰)، امینی و عارفی (۱۳۹۸)، امینی نژاد و شاه نظری (۱۳۹۵)، بشارت (۱۳۹۴)، کشاورز و همکاران (۱۳۹۴) و موسوی و جلالی (۱۳۹۳) همخوانی دارد. عوامل گوناگونی به عنوان مؤلفه‌های مؤثر میزان آشفته‌گی‌های زناشویی شناسایی شده‌اند. هرچند در خصوص آشفته‌گی‌های زناشویی و شیوه‌های فرزندپروری و ابرازگری هیجانی پیشینه پژوهشی همانندی پیدا نشد، ولی با توجه به برخی یافته‌های پژوهش، می‌توان نتایج مذکور را روشن کرده که در این میان یابد به یافته‌های وحدانی، خضری، محمود

پور و فرحبخش (۱۳۹۹) با عنوان پیش بینی دلزدگی زناشویی بر اساس ابزار گری هیجانی، تحمل پریشانی و الگوهای ارتباطی اشاره کرد و به این نتیجه رسیدند که از طریق آموزش الگوهای ارتباطی سازنده، شیوه های ابراز هیجان مناسب و افزایش تحمل پریشانی به کیفیت زندگی زناشویی زوجین و کاهش دلزدگی می توان کمک کرد که تا حدودی با پژوهش حاضر همخوان است.

در تبیین این یافته ها می توان گفت شیوه فرزندپروری استبدادی با تقاضا و پاسخ دهی بالای والدین مشخص می گردد (Baumrind, 1991). والدینی که شیوه استبدادی و آمرانه دارند از نظر عامل های تقاضا، سلطه جویی یا مستبد بودن و کنترل خیلی بالا و از نظر عامل پاسخ دهی پایین ارزیابی می شوند (Mandara, 2003). کاومورا و همکاران (۲۰۰۲) در نتایج مطالعه خود دریافتند که ادراک داشتن والدین آمرانه و خشن، با سطح بالای نگرانی در مورد اشتباهات و تردید در مورد اعمال که هر دو، مولفه های کمال گرایی سازش نایافته اند، رابطه داشت. والدین سهل گیر در عامل تقاضا پایین و در عامل پاسخ دهی بالا هستند (Bamrind, 1989; Mandara, 2003). فرزندپروری بی اعتنا با تقاضاها و پاسخ دهی کم والدین مشخص می شود. این والدین کنترل و نظارتی بر فعالیت های فرزندانشان ندارند و گرمی و صمیمیت در این خانواده ها بسیار کم است (Maccoby, & Martin, 1983). بنابراین در شیوه فرزندپروری مقتدرانه چندین ویژگی وجود دارد که در آینده راه گشای تعاملات سازنده فرزندان است. یکی از آن ها که بسیار مهم جلوه می کند، برخورد منطقی و مباحثه محور والدین با فرزندان است. طبیعی است که وقتی والدین بدین شیوه با فرزندان خود تعامل نمایند، بذر این صفات را در فرزندان خود کاشته، آن ها در بزرگسالی و پس از ازدواج در تعاملات خود با همسر، همین شیوه را در پی گرفته و بدین وسیله از میزان مشاجرات آن ها کاسته شده، در نهایت میزان رضایت زناشویی بالاتر و آشفتگی های زناشویی کمتری را تجربه می کنند. از طرفی با کمی دقت در ویژگی های فرزند پروری مستبدانه، مشخص می شود که این شیوه بر خلاف شیوه فرزندپروری مقتدرانه اهمیتی به منطق و نظر دیگران نمی دهد. لذا این فرزندان نیز به یادگیری این شیوه مبادرت و در هنگام ازدواج، وقتی مبحثی چالشی بین زوجین ایجاد می شود، وی تلاش می کنند که به صورت زورگویانه حرف خود را به کرسی بنشانند. این فرایند به تدریج سبب می شود که همسر آنان خود را از چرخه تعاملات زناشویی مطرود دیده و میزان آشفتگی بیشتری را نیز گزارش نمایند. در شیوه فرزندپروری سهل گیر، عدم دریافت توجه و محبت کافی در کنار عدم کنترل، سبب می شود که این افراد با کمبود هیجان و احساسات کافی رشد کرده، ممکن است در روابط زناشویی نیز رفتارهای هیجانی و احساسی اثباتی را به نمایش گذارند، که نتیجه این فرایند باعث می گردد که آنان تعارضات زناشویی بیشتری را گزارش نمایند. پیشینه پژوهشی در رابطه با شیوه فرزندپروری سهل گیرانه و بی توجه نشان داده که این شیوه فرزندپروری با رفتارهای ضداجتماعی همبسته است. از سوی دیگر نتایج نشان داد، بین ابراز گری هیجانی با آشفتگی های زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد. در تبیین احتمالی وجود رابطه معنادار بین ابرازگری هیجانی و

آشفتگی‌های زناشویی و توان پیش‌بینی آشفتگی‌های زناشویی بر اساس ابرازگری هیجانی، می‌توان گفت ازدواج منبع بعضی از عمیق‌ترین احساسات و هیجانات ماست، مثل عشق، نفرت، عصبانیت، ترس، ناراحتی و لذت، و این که چقدر زن و شوهر بتوانند این هیجانات قوی را بفهمند، درباره آن‌ها گفتگو کنند و آن‌ها را مدیریت کنند، نقش قاطعی در رضایت زناشویی آن‌ها بازی می‌کنند در حقیقت ابراز عواطف نقش عمده‌ای بر شادی‌ها و تداوم زندگی زناشویی داشته، زوج‌های خوشبخت به طور مداوم واکنش‌هایی چون عشق و محبت را نسبت به هم ابراز کرده، در تعامل‌هایشان با گونه‌ای موثر با صحبت‌های دقیق و ظریف عاطفی، مشکلات و اختلالات را حل کنند. دانستن اینکه چه مقدار معذرت‌خواهی نیاز است یا چه مقدار متاسفم کارگشا است، اوضاع را سر و سامان می‌دهد، احساس همدلی بیشتری به هم نشان می‌دهند و نسبت به احساسات یکدیگر حساسیت بیشتری به خرج می‌دهند این کار باعث افزایش رضایت زناشویی و کاهش آشفتگی‌ها در آنان می‌گردد (Keshavarz et al. 2015).

در بررسی ابعاد اجتماعی و فرهنگی هیجانات نیز باید دانست، همانگونه که ارزیابی به آگاهی شناختی از هیجان کمک می‌کند، تعامل اجتماعی نیز به آگاهی اجتماعی از هیجان کمک می‌کند و علاوه بر آن، موقعیت اجتماعی و فرهنگی که فرد در آن زندگی می‌کند نیز به آگاهی فرهنگی از هیجان کمک می‌کند. شایان ذکر است که بسیاری از دانشمندان معتقدند، هیجان لزوماً پدیده‌ای خصوصی، زیستی و درون‌روانی نیست و بسیاری از هیجان‌ها از تعاملات اجتماعی و بستر فرهنگی سرچشمه می‌گیرند. باید دانست معمولاً مهم‌ترین منبع هیجان روزمره ما، تعامل ما با دیگران است، همچنان‌که خزانه هیجانی ما با تغییر فرهنگ، تغییر خواهد کرد. برای مثال بچه‌های چینی کمتر از بچه‌های آمریکایی ابراز هیجان دارند که این امر احتمالاً به دلیل آن است که والدین چینی بر خویشنداری هیجان تأکید کرده، در حالی که آمریکایی‌ها بر ابراز هیجان تأکید می‌ورزند. بنابراین تعامل اجتماعی و هویت فرهنگی را نیز می‌توان در زمره ابعاد هیجان برشمرد (Korani, 2021). از سوی دیگر، عدم آشفتگی‌های زناشویی یکی از عوامل پیشرفت و دستیابی به اهداف زندگی است که تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی است. افزایش طلاق و آشفتگی‌های زناشویی در دنیای کنونی و نارضایتی زوجین از زندگی مشترک و تأثیرات سوء این گونه پدیده‌ها بر افراد خانواده و اجتماع بیانگر این مدعا است که برخورد مقبولی با تشکیل خانواده و ازدواج نشده، کمتر با دید عالمانه به این پدیده نگریسته شده است.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که منحصراً در شهر کرمانشاه انجام گرفته است بنابراین برای تعمیم نتایج به زوجین سایر شهرها باید با احتیاط عمل شود. با توجه به شرایط حاضر و وجود کرونا پرسشنامه به صورت آنلاین پخش شد و به خاطر آنلاین بودن، نظارت و دسترسی کمتری نسبت به پاسخ‌دهندگان وجود داشت و ممکن است از پاسخ دادن صحیح و با دقت خود داری کرده باشند.

بنابراین پیشنهاد می شود این پژوهش در شهرها و استان‌های دیگر و با فرهنگ‌های مختلف نیز انجام شود تا بتوان از این طریق قابلیت تعمیم نتایج را افزایش داد. پیشنهاد می شود در تحقیق‌های بعدی نمونه از بین زنان بدسرپرست نیز انتخاب گردد و آنان نیز مورد بررسی قرار گرفته شوند. به طور کلی نتایج پژوهش حاضر حاکی از نقش مؤثر شیوه‌های فرزندپروری و ابرازگری هیجانی در آشفتگی‌های زناشویی زوجین است. همانطور که نتایج نشان داد شیوه‌های فرزندپروری و ابرازگری هیجانی مثبت و منفی می تواند آشفتگی‌های زناشویی را در زوجین پیش بینی کند. لذا با توجه به این نتیجه، به متخصصان و مشاوران حوزه خانواده پیشنهاد می شود در برنامه‌های آموزشی و همچنین مداخلات مبتنی بر خانواده که با آشفتگی‌های زناشویی مرتبط است، به شیوه‌های فرزندپروری والدین و کیفیت ابرازگری هیجانی توجه شود و درآموزش‌های لازم الگوهای صحیح فرزندپروری و افزایش تقویت ابرازگری هیجانی مثبت به زوج‌ها و خانواده‌ها ارائه شود و همچنین مهارت‌های لازم به منظور آموزش شیوه صحیح فرزندپروری به والدین و کاهش ابرازگری هیجانی منفی به زوجین و خانواده‌ها آموزش داده شود. پژوهش‌های مبتنی بر فرهنگ کشور ایران در زمینه شیوه‌های فرزندپروری و ابرازگری هیجانی در بین زوج‌ها و خانواده‌ها اندک است، لذا پیشنهاد می شود، پژوهشگران حوزه خانواده ضمن پرداختن به این مقوله، شیوه‌های فرزندپروری و ابرازگری هیجانی را با سایر متغیرهای مربوط به خانواده و زوج، مانند سازگاری، رضایت، خرسندی، بخشایش و صمیمیت را در بین اعضای خانواده، همچنین در بین زوجین مورد پژوهش قرار دهند و عوامل جمعیت‌شناختی بیشتری را لحاظ نمایند.

## References

- Ahmadi F, Bahrami F, Goodarzi K, Asgari M.(2019). The effectiveness of acceptance-based combination therapy on the adjustment and hope of couples with spouses with symptoms of obsessive-compulsive disorder. *Jundishapur Medical Scientific Journal*, Year 18, Number 1, Pages 11-1.
- Askarabad, M, Haji Heidari, Z. (2013), Causes of marital infidelity from the perspective of couples referring to the family court: A qualitative study, *family research*, 11 (42): 65-52.
- Amini Nejad M, Shahnazari M. (2015). Predicting marital satisfaction based on perceived parenting styles and identity styles. *Journal of Educational Psychology*, 7 (2): 42-31.
- Baumrind, d.(1991).rejoinder to lewiss reinterpretation of parental firm control effects :are authoritative families really harmonious?*psychological bulletin*,94,132-142.
- Besharat, M. A (2015). Investigating the Relationship between Attachment Styles and Emotional Intelligence, *Journal of New Educational Thoughts*, 1 (3), 142-131.
- Batahi, S. M., Azadfallah, P (2021). A Study of the Relationship between Marital Conflict and Parenting Style with Parents' General Health, *Second International Conference on*

- Jurisprudence, Law, Psychology and Educational Sciences in Iran and the Islamic World, Tehran.
- Bradt, J., Norris, M., Shim, M., Gracely, E. J., & Gerrity, P. (2017). Vocal music therapy for chronic pain management in inner-city African Americans: A mixed methods feasibility study. *Journal of Music Therapy*, 53(2), 178-206.
- Byren, M., Carr, A., Clark, M. (2014). The efficacy of behavioral couples therapy and emotionally focused therapy for couple. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 6, 129-146.
- Darling, N., Cohan, C., Burns, A., & Thompson, L. (2009). Within family conflict behaviors as predictors of conflict in adolescent romantic relations. *Journal of Adolescence*, 31, 671-690.
- Goodarzi F, Mousavi Bojnoodi S, M, Navabi Nejad Sh (2015). Psychological study of marital rape with a look at the jurisprudential and legal aspects of the issue. *Women's Research Journal; Research Institute of Humanities and Cultural Studies*, 7 (18): 100-67.
- Hsieh, S. C., Hsieh, D. L., & Hsiao, T. C. (2014). Dynamic Analysis of Facial Expression on Internet Addiction People. *Advanced Science, Engineering and Medicine*, 6(8), 909-912.
- Janjani, P, Mo'meni Kh, Amiri, N, Moradi, A (2019). Lived experience of marital turmoil in the perceptual world of women studied: Tohid Clinic in Kermanshah. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 9(1): 196-173.
- Janjani P, Momeni K, Amiri N, Simonley A, Moradi A. (2018). A systematic review of studies of marital turmoil, the dominance of positivism, and the absence of gender issues. *Quarterly Journal of Women's Psychological Social Studies*, 16(4): 194-149.
- Kimble BA(2015). The parenting styles and dimensions Questionnaire: a reconceptualization and validation. Oklahoma: Oklahoma State University.
- Korani, M (2021). Presenting a causal model of marital and communication disorders based on online self-disclosure, dark personality traits and emotional expression, Master Thesis in Educational Sciences, Payame Noor University, Isfahan Branch
- Kima, J., Talbot, N.L., & Cicchetti, D. (2009). Childhood abuse and current interpersonal conflict: The role of shame. *Journal of Child Abuse & Neglect*, 33, 362-371.
- Keshavarz A H, Abedini F, Al-Husseini F, Asadi M, Jahanbakhshi Z. (2015). The Role of Emotional Expression and Demographic Factors in Predicting Women's Marital Satisfaction. *Bi-Quarterly Journal of Pathology, Counseling and Family Enrichment*, 1 (1): 66-59.
- Mousavi M. M, B, Jalali M. R (2015). Relationship between parenting styles, attachment styles and family relationships between two generations of parents and children. *Family Research Quarterly*, 10 (37), 97-79.
- Mikaeli N., Ghasemi Nejad M. A., Rumi P. (2018). Investigating the role of self-compassion and emotional expression in predicting online self-disclosure in students using social networks. *Culture Quarterly in Islamic University*, 7th year. 3: 352-337.
- Mousavi M. Sadat, Rashidi A, Golmohammadian M (2018). The effectiveness of acceptance

- and commitment treatment in increasing marital satisfaction of free men and women. *Journal of Applied Counseling*, (2) 5, 97-112.
- Momeni Shahandashti S. M (2015). Investigating the relationship between mothers' parenting styles and perfectionism and the projective style of adolescent children. Master Thesis, Faculty of Psychology, University of Tehran.
- Maccoby, E. E., & Martin, J. A. (1983). Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In P. Mussen (Ed.), *Handbook of child psychology* (Vol. 4, pp. 1-101). New York: Wiley.
- Nejati Sh. (2019). The Relationship between Dark Personality Traits and Differentiation with Marital Adjustment: The Mediating Role of Emotional Dysfunction, M.Sc. Thesis in Personality Psychology, Islamic Azad University, Dezful Branch.
- Overbeek, G., Stattin, H., Vermulst, A., Thao, H., & Engels, R. C. M. E. (2007). Parent-Child Relationships, Partner Relationships, and Emotional Adjustment: A Birth-to-Maturity Prospective Study. *Developmental Psychology*, 43, 429-437.
- Oprisan E, Cristea D. (2012). A few variables of influence in the concept of marital satisfaction. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 33, 468-472.
- Rimé, B. (2017). The social sharing of emotion in interpersonal and in collective situations. In *Cyberemotions* (pp. 53-69). Springer, Cham.
- Rastami Khoo S. (2020). The effectiveness of mindfulness training on emotional self-regulation, tolerance of disturbing turmoil and resolving marital conflicts in couples with Kermanshah city adjustment problems, M.Sc. Thesis, Islamic Azad University, Kerman Islamic Azad University.
- Rafiei Nia p.(2002). The relationship between emotion expression styles and general health in students, M.Sc. Thesis, Tarbiat Modares University.
- Seiffge Krenke, I., Overbeek, G., & Vermulst, A. (2010). Parent-child relationship trajectories during adolescence: Longitudinal associations with romantic outcomes in emerging adulthood. *Journal of Adolescence*, 33, 159-171.
- Slavinskienė, J., & Žardeckaitė-Matulaitienė, K. (2014). Importance of alcohol-related expectations and emotional expressivity for prediction of motivation to refuse alcohol in alcohol-dependent patients. *Medicina*, 50(3), 169-174.
- Shulman, S., Zlotnik, A., Shachar Shapira, L., Connolly, J., & Bohr, Y. (2012). Adolescent daughters' romantic competence: The role of divorce, quality of parenting, and maternal romantic history. *Journal of youth and adolescence*, 41,593-606.
- Scharf, M., & Mayselless, O. (2008). Partner: the distinct late adolescent girls` relationships with parents and romantic role of mothers and fathers. *Journal of Adolescence*, 31, 837-855.
- Soltanizadeh M, Bajlani P (2020). Predicting Attitudes Toward Marital Infidelity Based on Sexual Dysfunction, Intimacy and Sexual Satisfaction in Married Men and Women in Isfahan in 2017. *Zanko Journal of Medical Sciences*, Kurdistan University of Medical Sciences: 31-25.
- Seidi, P, Parandin S. (2021). The effectiveness of self-regulation training on psychological cohesion and marital adjustment and marital turmoil in families with differences in Kermanshah. *Journal of Social Psychology*, Fourteenth Year, 59: 129-115.

- Vahdani M, Khezri M, Mahmoudpour A, Farahbakhsh K. (2020). Predicting marital frustration based on emotional expression, distress tolerance, and communication patterns. *Journal of Psychological Development*, 9(10): pp. 58-47.
- Whisman, M. A., Snyder, D. K., & Beach, S. R. (2009). Screening for marital and relationship discord. *Journal of Family Psychology*, 23(2), 247.
- Zakaeifard A, Musazadeh, T (2020). The role of parenting styles in predicting the social development of preschool children aged 5 and 6, *Social Psychology Research*, 37: 87-100.